

طرفداران آقای احمدی نژاد که هنوز هم سازمان رای دست اوست ناراحت هستند که فردی مثل او را پیدا نمی کنند.

شاید احمدی نژاد هم بدش نیاید روحانی رئیس جمهور شود!



با رصد تحرکات انتخاباتی اصولگرایان می توان احساس کرد که نقش جمعیت در بین آنها کم رنگ و حتی شاید حذف شده است. برخی هم اعتقاد دارند که "جبهه نیروی مردمی انقلاب" جایگزین جمعیت شده است.

گفتگو با احمد بخشایش عضو جبهه پایداری را درباره تحولات انتخاباتی در جریان اصولگرا در ادامه می خوانید:

آیا اصولگرایان جمعیت را قبول دارند یا هر کس قرار است ساز خود را کوک کند؟

به یقین اصولگرایان در نهایت به یک اتحادی خواهند رسید. ولی در حال حاضر روی مصداق مشکل دارند و با توجه به اینکه در سال های قبل جمعیت نظر می داده است این ها دوست دارند که یک شیوه ی نو با نسل نویی را در پیش گیرند. در حال حاضر هنوز نتوانستند فردی که مطلوب آنها باشد، را پیدا کنند. اصولگرایان در ابتدا روی آقای احمدی نژاد متمرکز بودند یعنی بدنه رای اصولگرایی روی ایشان بود ولی بعد از اینکه توسط مقام معظم رهبری از ورود به انتخابات نهی شدند، اصولگرایان هم مقداری دچار سرگشتگی و حیران شدند در حال حاضر تمام امید اصولگرایان این است که در جبهه نیروی مردمی انقلاب قرار بتوانند به یک راهبرد برسند. قرار بر این است که 10 نفر توسط جمنای انتخاب و در نهایت بین این ده نفر 5 نفر گزینش و ثبت نام کنند و امید اصولگرایان این است که چون آقای روحانی از نظر اقتصادی و معیشتی موفق عمل نکرده احتمال اینکه بتواند رای اکثریت را بدست بیاورد، خیلی ضعیف است.

ممکن است روحانی 51 درصد رای را بیاورد و انتخابات به دور دوم بکشد و خودبخود از بین 5 اصولگرایی که یکی از آنها مثلا پرفسور زاهدی است با روحانی در رقابت نهایی قرار می گیرد و در این شرایط اصولگرایان به وحدت خواهند رسید. در بین اصولگرایان خیلی ها می گویند؛ انا رجل و اینکه می توانند رئیس جمهور باشند اما هنوز هم سرگشته هستند، تا قبل قصد داشتند که برسر حضور قالیباف متمرکز و اجماع کنند اما قالیباف هم در شکست جمهوری اسلامی شریک است و بعد از حضور دو سه باره، ورود مجدد ایشان ملال آور و خسته کننده است. هواخواهان سعید جلیلی هم که با تمام تلاش صرفا به دو سه میلیون رای رسیدند. بخاطر این موارد تصمیم بر آن شد که فرد جدیدی مثل آقای ترامپ که حالا رجل سیاسی نیست، ولی در برنامه های رفاهی مردم و مشکلات معیشتی مردم مقصر نباشد، در نظر گرفته بشود، اما اگر احمدی نژاد به صحنه می آمد حتما منتخب انتخابات آینده خواهد بود.

شما گفتید مساله قبول نداشتن جمعیت نیست و صرفا در پیش گرفتن شیوه ی تازه ای است، این حرف شما بمعنای جواب نگرفتن از جمعیت است؟

خیر منظور من این بود که جمعیت در آخر مسیر وارد می شود. به این صورت که بعد از تفاهم جمنای بر روی 5 نفر که امیدوارند بتوانند برنامه های روحانی را مورد انتقاد قرار دهند، در نهایت به یک نفر برسند. نقش جمعیت در آخر، زدن مهر تایید بر روی نفر ائتلاف است و در واقع اتفاقی که می افتد این است که جمعیت دیگر نمی تواند تبعیض امیز عمل کند. این یک شیوه نویی است که طی می شود. البته اصولگرایان چون تکلیفی عمل می کنند، خودشان هم نمی دانند که چه کار می کنند. اما در نهایت اصولگرایان روی فردی که هم از نظر علمی در سطح خوبی باشد و همچنین یکی از وزرای احمدی نژاد باشد،

متمرکز خواهند شد. که من هرچه فکر می کنم فردی مناسب تر از پرفسور زاهدی که از نظر ظاهری هم به ریاست جمهوری می خورد، وجود ندارد. البته شاید از نظر تکلم نتواند که در مناظره ها با روحانی خوب عمل کند اما پرفسور است وزیر علوم بوده و اکنون هم رئیس کمیسیون آموزش مجلس است و این ها موارد تاثیر گذاری است. آقای بقایی که رد خواهد شد چون زندان انفرادی داشته و حتما کسی که دستگیر و زندانی می شود پرونده مالی دارد و گرنه بی دلیل که زندان نمی روند، ما بقی افراد مثل آقای حاج بابایی یا رستم قاسمی و بذریاش که در حد ریاست جمهوری نیستند.

آیا یکی از دلایلی که در نهایت 5 نفر از اصولگرایان ثبت نام و حضور پیدا می کنند، شکست روحانی در مناظرات انتخاباتی است؟

من فکر نمی کنم اینطور باشد، این استراتژی است که اصلاح طلبان در نظر گرفته اند. خود اصولگرایان نمی توانند به وحدت یک نفره برسند و حریف خودشان نیستند. چون همه این 5 نفر شایستگی لازم را دارند مجبور می شوند این 5 نفر را وارد کنند به امید دور دوم تا در مرحله بعد مردم یکی را به عنوان کاندید نهایی انتخاب کنند. ورود این 5 نفر از سر اتحاد نیست، خودشان دوست دارند که بیایند و معمولا هم هرکسی که وارد صحنه انتخابات می شود سعی بر نقد عملکرد حریف مقابل و دفاع از خود دارد و به جامعین اثبات کند من برنامه های بهتری را می توانم ارائه دهم.

چطور است که این اضطراب باعث نمی شود تا اصولگرایان بصورت خود خواسته بر کاندید شدن یک نفر اجماع کرده و شکاف همیشگی که در زمان انتخابات داشتند، را تکرار نکنند؟

اصولگرایان کارنامه خوبی از خود به جا گذاشتند و همه آنها در قدرت هضم شدند. عاشق قدرت هستند و آن را تکلیف بیان می کنند. وضعیت به گونه ای است که اگر بر روی همین 5 نفر به جمع بندی برسند تازه اجماع صورت گرفته است. نگویید اجماع نیست این ها 20 نفرند و بین این بیست نفر به 5 نفر می رسند آن هم در بین کسانی که همه ادعای انا رجلی دارند.

یعنی به شکستن سبب آراء جناح خود فکر نمی کنند؟

ببینید آنها دو تاکتیک دارند؛ یکی اینکه چون نمی توانند روی یک نفر اجماع کنند حداقل روی 5 نفر اجماع می کنند. دوم اینکه می دانند روحانی در سری قبل 47/50 رای آورده است و بنابراین با توجه به نارضایتی به احتمال قوی این درصد ریزش دارد و انتخابات به دور دوم می رود و در نهایت یک نفر از اصولگرایان به روحانی در رقابت می ماند، و شاید اتفاقی که در روبروی احمدی نژاد و آقای هاشمی افتاد، تکرار شود.

راجع به باهنر نظرتان چیست؟

تنها فکر باهنر پیروزی روحانی در انتخابات است. ولی قصد هم ندارد که جبهه خود را برای آینده از دست بدهد. او علاقه دارد که روحانی برنده شود و در همین جهت حرکت می کند. چون از نظر فکری هم به روحانی نزدیک است اما اینکه روحانی بعد از زحمات با هنر را جبران کند یا خیر را نمی دانم.

منظورتان از جبران به چه نحوی است یعنی ممکن است حمایت باهنر در این مقطع با پیش شرط باشد؟

البته منظور من پیش شرط نیست. ذات سیاست یک سری بده بستان های را اقتضا می کند. تمام مصاحبه های با هنر در جهت حمایت از روحانی است شاید به این دلیل که نیروی دلخواه خود را در بین اصولگرایان پیدا نکرده است. مگر اینکه همه اصولگراها از وی خواهش کنند که خودش بعنوان کاندید اول اصولگرا ها به صحنه بیاید

اتفاقا صحبت های اخیر با هنر علی رغم حمایت از ادامه حضور روحانی، بر مبنای این هم بود که اصولگرایان یک کاندید قوی برای رقابت با روحانی داشته باشند...

اصولگرایان کاندید قوی داشتند، آقای احمدی نژاد که از حضور در انتخابات منع شد. ببینید اصولگراها دو دسته هستند؛ یکی اصولگرایان فربه که از قدیم حاکمیت داشتند، یک دسته هم اصولگرایان عدالت گرا مثل آقای احمدی نژاد که هنوز هم سازمان رای دست اوست و طرفدارانش ناراحت هستند که فردی مثل او را پیدا نمی کنند و افرادی چون باهنر، لاریجانی و ناطق یا توکلی را که اصلا جزو اصولگرا نمی دانند.

با این استدلالی که در صحبت قبلی خود بیان کردید، هوادارن و احمدی نژادی ها باید بقایی را برای رقابت همراهی کنند از طرف دیگر وقتی کاندید معرفی می کنند یعنی جبهه نیروی مردمی را قبول ندارند. از یک سو هم امثال لاریجانی و باهنر را قبول ندارند آیا اینها خودشان را یک طیف جداگانه می دانند؟

این ها در اصولگرایی لوکوموتیو پیشران بودند. در جبهه اصولگرا و اصلاح طلب ما یک لوکوموتیو پیشران داریم و افرادی هستند که جبهه را با خود می برند و کل جبهه بعد از جزئی از این لوکوموتیو می شود. در اصولگراها هم سازمان رای آوری احمدی نژاد که اسمشان عدالت گرا است اصولگراها را با خود پیش می برند. مثل دور قبل که اصولگرایان فربه ای چون لاریجانی و توکلی از ناراحتی به احمدی نژاد رای دادند و دیدند اگر رای ندهند شاید نتوانند در جبهه اصولگرایی هم بمانند الان هم بخش اصولگرای عدالت طلب علاقمند به حضور احمدی نژاد هستند. بنابراین اینها الان بی پناه شدند و نمی دانند به کجا پناه ببرند از طرفی احمدی نژاد هم چشم به انتخابات بعدی دوخته است و لذا بیانیه می دهد من از هیچکس حمایت نمی کنم و

کسی مرا مصادره به مطلوب نکند. شاید احمدی نژاد هم بدش نیاید وقتی خودش نیست مجددا روحانی رئیس جمهور شود.

شما باور دارید که اگر احمدی نژاد میامد پیروز می شد، این نظر کمی بی دقتی به سطح عمومی جامعه نیست؟ آنچه در واقعیت مشاهده می شود عدم مقبولیت و محبوبیت ایشان است و خیلی از عقب ماندگی های داخلی و خارجی را ناشی از مدیریت وی می دانند؟

این مباحث را بگذارید کنار، ما اگر جامعه ایران را به سه قسمت تقسیم کنیم یک قسمت آن متوسط شهری به بالا هستند، احمدی نژاد در دور قبل 23 میلیون رای آورد، اگر به بازار و املاک و ساختمان اگر سر بزیند همه چیز در دوره ایشان فعال بود اما در این 4 سال اخیر همه چیز فروکش کرده است.

منبع/ عصر ایران

برچسب ها: [اصولگرایان](#) [1]
[انتخابات](#) [2]
